

مقایسه سوگیری توجه نسبت به مواد افیونی در افراد وابسته و ترک کرده در بین مراجعین به کلینیک‌های درمانی و اعضای انجمن‌های معتادان گمنام

جواد عنایت^۱، غلامحسین جوانمرد^۲، جعفر ممقانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۵/۲۰

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف مقایسه‌ی سوگیری توجه نسبت به محرک‌های وسوسه‌انگیز مربوط به مواد افیونی در بین گروه کنترل، ترک کرده و وابسته به مواد انجام شد. طول مدت مصرف و ترک نیز مورد توجه قرار گرفت. **روش:** طرح پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش عبارت بود از کلیه افراد وابسته به مواد که به نوعی به ادارات بهزیستی، کلینیک‌های ترک اعتیاد سرپایی، مراکز تولد دوباره و انجمن معتادان گمنام استان آذربایجان شرقی مراجعه می‌کردند. در این تحقیق پنج گروه شرکت کننده، شامل افراد وابسته به مواد افیونی (که به دو گروه دارای مصرف طولانی و افراد دارای مصرف کوتاه تقسیم می‌شدند)، افراد ترک کرده (که به دو گروه دارای ترک طولانی و افراد دارای ترک کوتاه بودند) و گروه گواه می‌شد. در مجموع، در این تحقیق ۱۰۳ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند. گروه‌های نمونه از نظر سن، سواد، و جنس مشابه بودند. برای سنجش سوگیری توجه نسبت به محرک‌های وسوسه‌انگیز مربوط به مواد افیونی، از آزمون بازشناسی کلمات استفاده شد که در این آزمون سه خرده آزمون اصلی و یک آزمون بازشناسی وجود داشت. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که در سوگیری توجه نسبت به محرک‌های مواد افیونی در گروه گواه و مصرف کننده‌های خفیف و شدید و همچنین افراد ترک کرده با فاصله زمانی کوتاه مدت تفاوت وجود داشت. همچنین، گروه کنترل دارای وسوسه و سوگیری توجه کمتری نسبت به گروه‌های دیگر بودند. در نهایت، افرادی که دارای مصرف خفیف هستند در مقایسه با گروه کنترل احساس تهدید بیشتری می‌کردند. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های این تحقیق تلویحات کاربردی دارند و می‌تواند مورد توجه متخصصان در امر درمان اعتیاد قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: وابستگی به مواد، سوگیری توجه، تهدید اجتماعی، عود مجدد

۱. نویسنده مسؤول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. آدرس الکترونیک: azar_javad@yahoo.com

۲. استادیار علوم اعصاب شناختی گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور شهرستان بناب

۳. کارشناسی ارشد روانسنجی

مقدمه

توجه^۱ اصل اساسی در تعامل موفقیت آمیز با محیط است. تا آنجا که به نظام شناختی مربوط می‌شود، توجه به فرد اجازه می‌دهد که وقایع محیط را غربالگری کند (مک لئود و مکدونالد^۲، ۲۰۰۰). منطقی به نظر می‌رسد، این گونه فرض شود که هر گونه فعالیت خودکار از طریق دروازه توجه، نقل و انتقال می‌یابد. این عمل می‌تواند به شکل‌گیری انحراف توجه نسبت به محرک برجسته هیجانی در محیط منجر شود (مانند دیدن پاکت سیگار توسط یک فرد سیگاری). این فرایند را سوگیری می‌نامند. ویلیامز، میتوز^۳ و مک لئود (۱۹۹۶) شواهد تجربی را ارائه کرده‌اند مبنی بر این که فرایندهای خودکار از جمله سوگیری توجه^۴ نقش مهمی در تقویت، تداوم و عود انواع مختلف رفتارهای بهنجار و نابهنجار مانند سوء مصرف مواد بازی می‌کنند. سوگیری توجه پدیده‌ای است که در طی آن با وجود تکانش‌های فرد برای نادیده گرفتن محرک، تمام نیروی توجه به سمت آن سوق می‌یابد (ویلیامز و همکاران، ۱۹۹۶). این پدیده از نظر آسیب روانی نقش مهمی بازی می‌کند. برای مثال، زمانی که انحراف توجه برای محرک‌های مربوط به مواد مخدر شروع می‌شود، سازوکارهایی را که در نهایت به مصرف مواد می‌انجامد، فعال می‌سازد. نظریه‌ها و تحقیق‌های متعددی نقش سوگیری توجه به مواد را در ناتوانی کنترل رفتارهای سوء مصرف مواد مهم می‌دانند (فیلد و کوکس^۵، ۲۰۰۸؛ استافین^۶ و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از صالحی و سلیل ضیائی، ۱۳۸۹). سوگیری توجه شامل تغییر در تمرکز است که هم می‌تواند به صورت غیرارادی و هم ارادی اتفاق بیفتد (ریان^۷، ۲۰۰۲). شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که افراد به طور انتخابی به نشانه‌هایی توجه می‌کنند که با موضوعات برجسته هیجانی آن‌ها در ارتباط است (ستورمارک، فیلد، هاگدال و هورویتز^۸، ۱۹۹۷؛ دالگلیشن و واتس^۹، ۱۹۹۰).

نظریه‌های مشوق وابستگی به مواد، پیش‌بینی می‌کنند محرکی که با مصرف مواد همراه می‌شود، جذاب و خواستنی شده و توجه را به خود جلب می‌کند. به خاطر چنین

1. attention

2. Mcleod & McDonald

3. Williams & Mathews

4. attention bias

5. Field & Cox

6. Ostafin

7. Ryan

8. Stormark, Field, Hugdahl & Horowitz

9. Daglish & watts

محركی، برای افراد برجستگی انگیزشی ایجاد می‌شود. اشتغال ذهنی با این نشانه‌ها می‌تواند به عنوان سوگیری توجه مفهوم‌سازی شود. در این فرایند، تمایل به محرك مربوط به مواد بیشتر شده، محرك برجسته می‌شود و توجه بیشتری دریافت می‌کند. محركی که توجه را جلب می‌کند و جذاب می‌شود گرایش را افزایش داده و رفتار را به طرف هدف خاص هدایت می‌کند (بریدچ و رایینسون^۱، ۱۹۹۸). نظریه مشوق وابستگی، بیشتر در مورد اعتیاد کاربرد دارد تا وسوسه. با وجود این، در این مدل پیش‌بینی‌هایی در مورد ماهیت وسوسه صورت گرفته است. بر اساس این نظریه، وسوسه همیشه خودآگاه است در حالی که عود ممکن است بدون آگاهی اتفاق بیافتد (رایینسون و بریدچ؛ ۲۰۰۰؛ به نقل از رحمانیان، ۱۳۸۴). مطالعات نشان داده است که افراد با وابستگی به هروین، نیکوتین، کوکائین و الکل، محرك‌های مربوط به مواد را به شیوه‌های نابهنجار پردازش می‌کنند (تیفانی^۲، ۱۹۹۶). یکی از فرایندهای شناختی که در تمرکز افراطی «توجه» روی نشانه‌های مربوط به مواد تغییر می‌کند، سوگیری توجه است. اخیراً شواهدی برای فرایندهای شناختی ناخودآگاه به دست آمده که در فرایندهای پردازش توجه دخیل هستند (چیلدرس^۳ و همکاران، ۱۹۹۹). مکانیسم‌های فرایند ناخودآگاه در پردازش اشتیاقی هنوز به طور کامل روشن نشده است. مطالعات اندکی این مطلب را نشان داده است، اما اکثر آنها شواهدی برای «سوگیری توجه» نسبت به محرك‌های اشتیاقی که خارج از آگاهی ارایه می‌شود، پیدا نکرده‌اند (فرانکن، هنریکز و واندن برینک^۴، ۲۰۰۲؛ جانسن، هاجنس و تنی^۵، ۱۹۹۸؛ مگ، برادلی، فیلد، هیار و لی^۶، ۱۹۹۸). فرض بر این است که در چارچوب پردازش اطلاعات، بسیاری از عملیات ممکن است بدون آگاهی انجام شود؛ در حقیقت، بیشتر عملیات ذهنی روزمره ممکن است بعدها به سطح آگاهی برسند و عملیات «فرایندهای آگاهانه مهار شده» را تسهیل کنند. برخلاف فرایندهای خودکار که می‌توانند موازی باشند، این فرایندهای مهار شده به ظاهر بن مایه‌های^۷ (منابع) محدودی را به کار می‌گیرند. بن مایه‌ای که ما تنها می‌توانیم یک فعالیت را در یک زمان انجام دهیم

1. Rabinson & berridge 2. Tiffany 3. Childres
4. Franken, Hendriks & Van den brink 5. Johnsen, Huygens & Tenney
6. Mogg, Bradley, Field, Hyare & Lee 7. Sources

(کلارک، فریورن و کریستوفر^۱ و همکاران، ۱۳۸۰). به اعتقاد لانگ، برادلی و چاپرت^۲ (۱۹۹۵) و لانگ (۱۹۹۰) محرکی که اثر هیجانی بالایی دارد، به طور خودکار توجه زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. پدیده پردازش انتخابی ممکن است در نگهداری وابستگی به مواد نیز دارای اهمیت باشد. برخی نویسندگان (لاوی و وان دن هات^۳، ۱۹۹۳؛ کاکس، یتس و رگان^۴، ۱۹۹۹) پیشنهاد می‌کنند که سوگیری توجه نسبت به نشانه‌های اشتیاقی ممکن است به عنوان فشاری برای مصرف مواد مد نظر قرار گیرد.

نقص شناختی، سوگیری توجه و سوء مصرف مواد با یکدیگر در ارتباط هستند (شیفر^۵، ۱۹۹۷، به نقل از گروسی، علیلو و ارجمندقجور، ۱۳۸۸). مطالعات عصب روان‌شناختی بیماران وابسته به الکل نشان داده که یک الگوی نقص شناختی با مصرف مزمن الکل مربوط است که احتمال دارد با هوشیاری بهبود یابد. علاوه بر این، کسانی که به الکل وابسته‌اند، به محرک‌های خاصی در محیط بیشتر توجه می‌کنند (لزاک^۶، ۱۹۹۵). روبه‌رو شدن با محرک مربوط به دارو در سوء مصرف کنندگان، پاسخ مربوط به مصرف مواد را بر می‌انگیزاند. این پاسخ، جرقه‌ای برای مصرف مواد و افزایش خطر عود است. عواملی مثل فراوانی محرک‌های مربوط به مواد و زمان روبه‌رو شدن با آن‌ها نیز در پاسخ به مواد موثرند (نیورا^۷ و همکاران، ۱۹۸۸؛ به نقل از ستورمارک و همکاران، ۱۹۹۷). این پژوهش با هدف مقایسه سوگیری توجه نسبت به محرک‌های وسوسه انگیز مربوط به مواد افیونی در بین گروه کنترل (افراد بهنجار)، ترک کرده و وابسته به مواد انجام شده است. طول مدت مصرف و ترک، نیز مورد توجه قرار گرفته است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش عبارت بودند از: تمامی افراد وابسته به مواد که به نوعی به ادارات بهزیستی، کلینیک‌های ترک اعتیاد سرپایی، مراکز تولد دوباره و انجمن معتادان گمنام^۸ استان آذربایجان شرقی

1. Clark, Christopher & Fairburn
4. Cox, Yeats & Regan
7. Niaura

2. Lang, Bradly & Cuthbert
5. Schafer
8. Narcotics Anonymous

3. Lavy & Van den Hout
6. Lezak

در پاییز و زمستان ۱۳۹۰ مراجعه کرده‌اند. در این تحقیق پنج گروه آزمودنی، شامل افراد وابسته به مواد افیونی که به دو گروه ۱- دارای مصرف طولانی (مدت چهار سال و بیشتر) و ۲- افراد دارای مصرف کوتاه (مدت ۳ ماه تا کمتر از چهار سال) بودند. همچنین، افراد ترک کرده دو گروه ۱- دارای ترک طولانی (مدت ۷ ماه و بیشتر) و ۲- افراد دارای ترک کوتاه (۳ تا ۷ ماه) بودند. گروه پنجم نیز شامل گروه گواه می‌شد. در کل ۱۰۳ نفر در طی پاییز و زمستان سال ۱۳۹۰ به صورت نمونه گیری در دسترس و هدفمند از جامعه مورد نظر مورد مطالعه قرار گرفتند. شرکت کنندگان از نظر سن، سواد، و جنس (تنها مردان) همسازی شدند.

ابزار

در پژوهش حاضر، برای سنجش سوگیری توجه نسبت به محرک‌های وسوسه انگیز مربوط به مواد افیونی، از بازشناسی کلمات استفاده شد که در این آزمون سه خرده آزمون اصلی و یک آزمون بازشناسی وجود داشت. نمره بازشناسی به عنوان ملاک اصلی برای مقایسه بین گروه‌های این پژوهش به کار برده شد. سه خرده آزمون شامل: خرده آزمون مربوط به کلمات خنثی، کلمات مربوط به مواد افیونی و کلمات مربوط به تهدیدهای اجتماعی است، که هر کدام در یک برگ کاغذ A4 به طور جداگانه تهیه و ارائه شدند. برای هر خرده آزمون، ۲۰ واژه انتخاب و هر واژه ۵ بار تکرار شد؛ یعنی هر خرده آزمون شامل ۱۰۰ واژه بود. برای تهیه آزمون بازشناسی، مجدداً برای هر یک از سه خرده آزمون، ۲۰ نشانه دیگر (یعنی ۲۰ نشانه برای کلمات خنثی، ۲۰ نشانه برای کلمات افیونی و ۲۰ نشانه برای کلمات مربوط به تهدیدهای اجتماعی) انتخاب شد. این نشانه‌ها هیچکدام در آزمون اولیه به کار نرفته بود، اما از نظر محتوی شبیه به نشانه‌هایی بودند که در آزمون اصلی استفاده شده است. در مجموع، سه گروه نشانه اخیر با مجموع سه گروه نشانه به کار رفته در آزمون (که به تعداد ۱۲۰ واژه است) جمع شدند. نشانه‌ها به طور تصادفی در یک برگ کاغذ A4 توزیع شدند. در این آزمون ۱۲۰ واژه وجود داشت که ۶۰ کلمه آن مربوط به سه خرده آزمون اولیه که از هر کدام شامل ۲۰ واژه بدون احتساب تکرار واژه‌ها

آمده بود و ۶۰ واژه دیگر برای هر خرده آزمون که به عنوان واژه‌های انحرافی و شبیه آن کلمات انتخاب شده بودند، در لابلای کلمات اصلی به طور تصادفی پراکنده شد و آزمودنی‌ها می‌بایست واژه‌های موجود در آزمون اولیه را شناسایی کنند.

یافته‌ها

در جدول ۱ تعداد و میانگین سنی گروه‌های مورد مقایسه ارائه شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی سن و تعداد به تفکیک گروه‌ها

گروه‌ها	تعداد	میانگین سنی
مصرف کنندگان شدید	۲۱	۳۴/۴۳
مصرف کنندگان خفیف	۱۱	۳۲/۱۸
ترک کنندگان درازمدت	۲۲	۳۵/۵۵
ترک کنندگان کوتاه مدت	۲۹	۳۴/۰۳
گواه	۲۰	۳۱/۸۰
جمع	۱۰۳	۳۳/۳۸

جدول ۲ آماره‌های توصیفی بازشناسی کلمات مواد افیونی را به تفکیک گروه‌ها ارائه کرده است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی برای باز شناسی کلمات مواد افیونی

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
مصرف کنندگان شدید	۲۱	۱/۵۶	۸/۶۷
مصرف کنندگان خفیف	۱۱	۹/۲۷	۱/۹۰
ترک کنندگان درازمدت	۲۲	۷/۴۱	۱/۳۳
ترک کنندگان کوتاه مدت	۲۹	۸/۷۹	۱/۷۸
گواه	۲۰	۶/۳۵	۱/۹۳

جدول ۳ آماره‌های توصیفی بازشناسی کلمات تهدیدهای اجتماعی به تفکیک گروه‌ها را ارائه کرده است.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی برای بازشناسی کلمات تهدیدهای اجتماعی

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
مصرف کنندگان شدید	۲۱	۱/۷۵	۸/۶۲
مصرف کنندگان خفیف	۱۱	۹/۱۸	۱/۴۰
ترک کنندگان درازمدت	۲۲	۷/۶۴	۱/۲۲
ترک کنندگان کوتاه مدت	۲۹	۸/۰۷	۱/۴۴
گواه	۲۰	۷/۲۵	۱/۰۷

برای مقایسه نمرات مرحله بازشناسایی سه دسته از کلمات برای پنج گروه، از تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوآ) استفاده شد که نتایج حکایت از معناداری نتایج داشت ($F=۴/۳۵۵, P<۰/۰۰۱$). برای بررسی الگوهای تفاوت از تحلیل واریانس به شرح زیر استفاده شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس برای بررسی الگوهای تفاوت در بازشناسی کلمات

گروه‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	معناداری مجذورات
کلمات خنثی	۲۹/۶۰	۴	۷/۴۰	۱/۶۷۹	۰/۱۶۱
کلمات مواد افیونی	۱۰۷/۲۸	۴	۲۶/۸۲	۹/۳۳۸	۰/۰۰۰۵
کلمات تهدیدهای اجتماعی	۳۷/۴۷	۴	۹/۳۷	۴/۷۹۸	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول ۳، مشاهده می‌شود که در متغیر بازشناسی کلمات خنثی ($P>۰/۰۵$) بین ۵ گروه تفاوت معناداری وجود ندارد، ولی در دو متغیر بازشناسی کلمات مواد افیونی و کلمات تهدیدهای اجتماعی تفاوت معناداری بین گروه‌ها وجود دارد ($P<۰/۰۰۱$). برای بررسی تفاوت‌ها در بین گروه‌ها از آزمون بن فرونی استفاده شد. نتایج این آزمون تعقیبی در نمرات بازشناسی کلمات مواد افیونی نشان داد که بین گروه گواه و دو گروه دارای مصرف شدید و مصرف خفیف و همچنین ترک کنندگان کوتاه مدت تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که گروه گواه در مقایسه با سه گروه مذکور دارای نمرات پایین‌تری بودند. در واقع، سه گروه مذکور نسبت به واژه‌های مربوط به

مواد مخدر سوگیری توجه بیشتری داشته و آنها را بیشتر پردازش کرده‌اند. همچنین، نتایج نشان داد ترک کنندگان دراز مدت نسبت به گروه مصرف کنندگان خفیف سوگیری توجه بیشتری دارند. حتی این تفاوت بین دو گروه ترک کننده هم مشاهده شد. در واقع، کسانی که در مدت طولانی ترک مواد داشتند سوگیری توجه کمتری در مقایسه با کسانی که مدت زمان کمتری ترک داشتند از خود نشان دادند. همچنین، در ارتباط با کلمات تهدیدهای اجتماعی نتایج نشان داد گروه مصرف کنندگان خفیف احساس تهدید اجتماعی بیشتری را نسبت به گروه‌های گواه و کسانی که مدت طولانی ترک داشته‌اند از خود نشان دادند. در حالی که بین میانگین سایر گروه‌ها تفاوت معناداری وجود نداشت. این یافته‌ها نشان می‌دهد کسانی که به تازگی اقدام به مصرف مواد کرده‌اند و مدت زیادی از مصرف مواد آنها نگذشته است، در ارتباط با واژه‌های تهدیدآمیز سوگیری توجه بیشتری را نسبت به سایرین دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین سوگیری توجه نسبت به محرک‌های مواد افیونی در گروه کنترل با مصرف کنندگان خفیف، شدید و همچنین افراد ترک کرده با فاصله زمانی کوتاه مدت تفاوت وجود دارد و گروه کنترل دارای وسوسه و سوگیری توجه کمتری نسبت به گروه‌های دیگر است. همچنین، بین کسانی که مدت زمان زیادی از ترک شان می‌گذرد با کسانی که مدت کوتاهی از ترک را پشت سر گذاشته‌اند، تفاوت وجود دارد و افرادی که مدت زمان زیادی را بدون مواد گذرانده‌اند وسوسه و سوگیری توجه کمتری دارند. این تفاوت حتی بین دو گروه مصرف کننده خفیف و کسانی که مدت زمان طولانی را بدون مواد گذرانده‌اند نیز وجود دارد. در واقع، گروه‌های مذکور نسبت به واژه‌های مربوط به مواد مخدر سوگیری توجه بیشتری داشته و آنها را بیشتر پردازش کرده‌اند. این پژوهش با یافته واترز و فیرابند^۱ (۲۰۰۰)، فرانکن، کرون، وایر و جانسن^۲ (۲۰۰۰)، تونشند و دوکا^۳ (۲۰۰۱)، باور^۴ و کاکس (۱۹۹۸)، شارما، البری و کوک^۵ (۲۰۰۱)، جانسن، تایر،

لابرگ و واکسدل^۱ (۱۹۹۷)، گراس، جارویک و روزنبلات^۲ (۱۹۹۳)، رحمانیان و همکاران (۱۳۸۴) و ارجمندقجور (۱۳۸۶) همسان است. روبه‌رو شدن با محرک‌های مربوط به دارو در افراد دارای اختلال وابستگی به مواد، پاسخ مربوط به مصرف مواد را بر می‌انگیزد. این پاسخ، جرقه‌ای برای مصرف مواد و افزایش خطر عود است. در بین سوءمصرف‌کنندگان، سوگیری توجه ممکن است باعث تداوم مصرف مواد شود. در تداوم بخشیدن به پاکی افراد ترک‌کننده، لازم است درمان‌های شناختی روی آنان صورت پذیرد. همچنین، از مواجه شدن آنان با محرک‌های تحریک‌کننده و از رفتن به مکان‌هایی که سابقه‌ی مصرف در آن اتفاق افتاده است، جلوگیری کرد. در زمینه وابستگی به مواد، به نظرمی‌رسد سوگیری توجه در نگهداری مصرف مواد و عود نقش دارد. علاوه بر این، اشتغال ذهنی با محرک‌های مربوط به مواد یکی از شاخص‌های کلیدی اعتیاد است که مطالعات تجربی در این مورد نادر است. بر طبق نظریه رابینسون و بریدج^۳ (۲۰۰۰، ۱۹۹۳) مکانیسم برجستگی مشوق که زیربنای این فرایند است، توسط سطوح دوپامین در سیستم دوپامین-لیمبیک میانی تعدیل شده و نقش کلیدی را در نگهداری مصرف مواد بازی می‌کند (مگ و برادلی، ۲۰۰۲). دوپامین برانگیزاننده توجه در کل به طرف محرک اشتیاقی و در حالت خاص به طرف نشانه‌های مربوط به مواد است. بنابراین، در تمرکز افراطی روی فعالیت‌هایی که منجر به مصرف مواد می‌شود نقش دارد. ترشح دوپامین توسط محرک‌ها یا فعالیت‌هایی برانگیخته می‌شود که پیامدهای پاداشی یا انزجاری را پیش‌بینی می‌کنند و برای تمرکز فرد بر روی این نشانه‌ها ضروری بوده و احتمال نادیده گرفته شدن این نشانه‌ها را کاهش می‌دهد. در این پژوهش کلمات مربوط به تهدیدهای اجتماعی هم‌باین فرض مورد آزمون قرار گرفتند که آیا ارتباطی بین اختلال وابستگی به مواد مخدر و تهدیدهای اجتماعی می‌تواند وجود داشته باشد یا نه؟ از این یافته نیز استنباط می‌شود که افرادی که دارای مصرف خفیف هستند در مقایسه با گروه کنترل احساس تهدید بیشتری می‌کنند. هر چند ممکن است ناشی از این باشد که تازه کارند و مصرف خود را از نزدیکان خود مخفی می‌کنند. همچنین، افرادی که مدت

زمان زیادی را ترک کرده‌اند نسبت به افرادی که مصرف خفیف دارند احساس تهدید کمتری دارند.

منابع

- ارجمندقجور، کیمرث (۱۳۸۶). بررسی تاثیر مدت مصرف و ترک در سوگیری توجه نسبت به محرک‌های وسوسه انگیز مربوط به مواد افیونی، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تبریز.
- رحمانیان، مهدیه؛ میرجعفری، احمد و حسنی، جعفر (۱۳۸۴). بررسی سوگیری توجه نسبت به محرک‌های مربوط به مواد در افراد وابسته به مواد افیونی، مبتلاء به عود، ترک و بهنجار. مجله روانشناسی، ۹(۴)، صالحی فدردی، جواد؛ سلیل ضیائی، سیده (۱۳۸۹). فرآیندهای شناختی ضمنی و سوگیری توجه به سمت رفتارهای اعتیادی: معرفی، ساخت و کاربرد آزمون استروپ اعتیاد. مجله اصول بهداشت روانی. ۱۲(۱ پیاپی ۴۵)، ۳۵۸-۳۸۹
- کلارک، ام دیوید؛ فریورن، ج کریستوفر (۱۹۹۷). دانش و روش‌های کاربردی رفتاردرمانی شناختی. ترجمه حسین کاویانی (۱۳۸۰)، تهران: انتشارات فارس.
- گروسی فرشی، میرتقی؛ علیلو، مجید محمود و ارجمندقجور، کیمرث (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مدت مصرف و سابقه ترک در سوگیری توجه نسبت به محرک‌های وسوسه انگیز مربوط به مواد افیونی. فصلنامه علمی- پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز. سال چهارم شماره ۱۵.
- Bauer, D. & Cox, W. M. (1998). Alcohol-related words are distracting to both alcohol abusers and non - alcohol abusers of a harm. *Addiction*, 93(10) 1539-1542.
- Beriidge, K. C., & Robinson, T. E. (1998). What is the role of dopamine in reward: hedonic impact, reward learning or incentive salience? *Brain Research Review*, 28(3), 309-369.
- Childress, A. R., Mozley, P. D., McElgin, W., Fitzgrald, J., Revich, M., & Obrien, C. P. (1999). Limbic activity during cue-induced cocaine craving. *American Journal psychiatry*, 156 (1), 8-11.
- Cox, W. M., Yeats, G. N., & Regan, C. M. (1999). Effects of alcohol cues on cognitive processing in heavy and light drinkers. *Drug and Alcohol Dependence*, 55(1-2), 85-89.
- Dulgleish, T., & Watts, F. N. (1990). Biases of attention and memory in disorders of anxiety and depression. *Clinical Psychology Review*, 10, 589-604.
- Field, M., Cox, W. M. (2008). Attentional bias in addictive behaviors: a review of its development, causes, and consequences. *Drug and Alcohol Dependence*, 97, 1- 20.
- Franken, I. H. A., Kroon, L. Y., Wiers, R. W. & Jansen, A. (2000). Selective cognitive processing of drug cues in heroin dependence. *Journal of psychopharmacology*, 14(4), 395-400.
- Fronken, LH. A., Hendriks, V. M. & Van den brink, W. (2002). Initial validation of tow opiate craving questionnaires: the obsessive compulsive Drug use scale (OCDUS) and the desires for drug questionnaire (DDQ). *Addictive behavior*, 27(5), 675-685.
- Gross, T. M, Jarvik, M. E., Rosenblatt, M. R. (1993). Nicotine abstinence produces content-specific Stroop interference. *Psychopharmacology*, 110 (3), 333-336.
- Johnsen, B. H., Thayer, J., Laberg, J. C., & Vaksdal, A. (1997). Attention bias in active smokers, abstinent smokers and non smokers. *Addictive behavior*, 22, 813-817.

- Jonsen, A., Huygens, K., & Tenney, N. (1998). No evidence for a selective processing of subliminally presented body words in restrained eaters. *International journal of disorders*, 24(4), 435-438.
- Lang, p. j. (1995). The emotion probe: studies of motivation and attention. *American journal of psychology*, 50(5), 372-385.
- Lang, p. j., bradly, M.M., & Cuthbert, B.N.(1990). Emotion, attention and the startle reflex. *Psychological Review*, 97,337-395.
- Lavy, E. H., & Van den Hout, M. A. (1993). Attentional bias for appetive cues: effects of fasting in normalsubjects. *Behavioral cognitive psychotherapy*, 21, 297-310.
- Lezak, M. D., (1995). *Neuropsychological assessment. (3rded)*. New York: Oxford University press.
- McLeod, C. M, McDonald, P.A. (2000). Interdimensional interference in the Stroop effect: Uncovering the cognitive and neural anatomy of attention. *Trends in Cognitive Sciences*, 4(10), 383-91.
- Mogg, K., Bradley, B. P., field M., Hyare. H., & Lee, S. (1998). Selective attention to food-related stimuli in hunger: Are attention biases specific to emotional and psychopathological stats or are they also found in normal drive stats? *Behavioral Research and Therapy*, 36(2), 227-238.
- Mogg, K., Bradley, B. P. (2002). Selective processing of smoking related cues in smokers: manipulation of deprivation level and comparsion of three measures of processing bias. *Journal of psychopharmacology*, 16(4), 385-392.
- Niaura, R.S., Rohsenow, D.J., Binkoff, J.A., Monti, P.M., Pedraza, M., Abrams, D.B. (1988). Relevance of cuereactivity to understanding alcohol and smoking relapse. *Journal of Abnormal Psychology*, 97(2), 133-52.
- Robinson T. E., Berridge K.C. (1993). The neural basis of drug craving: An incentivesensitization theory of addiction. *Brain Research Reviews*, 18(3), 247-91.
- Robinson, T. E., Berridge, K. C. (2000). The psychology and neurobiology of addiction: an incentive-sensitization view. *Addiction*, 2, 91-117.
- Ryan, F. (2002). Attentional bias and alcohol dependence: A controlled study using the modified stroop paradigm. *Addictive Behaviors*, 27,471-482.
- Shrma, D., Albery, L.D. & C00k, C. (2001). Selective attentional bias to alcohol related stimuli in problem drinkers and non-problem drinkers. *Addiction*, 96, 285-295.
- Stormark, K. M., Field, N.P., Hugdahl, K., & Horowitz, M. (1997). Selective processing of visual alcohol cues in abstinent alcoholics: an approach-avoidance conflict? *Addictive Behaviors*, 22(4), 509-519.
- Tiffany, S. T. (1996). Cognitive model of drug-use behavior. Role of automatic and nonautomatic processes. *Psychological Review*. 97(2), 147-168.
- Townshend, J. M., & Duka, T. (2001). Attentional bias associated with alcohol cues: differences between heavy and ocasional social drinker. *psychopharmacology*, 157, 67-74.
- Waters, A. J., Feyerabend, C. (2000). Determinants and effects of attention bias in smokers. *Psychology of Addictive Behaviors*, 14(2), 111-20.
- Williams, J. M., Mathews, A., McLeod, C. (1996). The emotional Stroop task and psychopathology. *Psychological Bulletin*, 120(1), 3-24.